

موسیقی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران

دکتر امیر اشرف آریان پور

با همکاری
حمیده جعفری

Shiraz-Beethoven.ir



۱۳۹۶

ایران... ۸۲ / ارکستر سمفونیک تهران و هنرستان موسیقی بعد از پرویز محمود... ۸۴ / مجله موسیقی (دوره دوم)... ۸۷ / هنرستان موسیقی ملی... ۸۸ / کنسرت‌های تهران در سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۳۰... ۸۹ / اداره کل هنرهای زیبا... ۹۱ / استعفای روبیک گریگوریان... ۹۲ / هنرستان موسیقی و ارکستر سمفونیک بعد از روبیک گریگوریان... ۹۲ / از راه رسیدگان... ۹۴ / گرباغچه‌بان... ۹۵ / گرباشگاه آزارات... ۹۶ / کنسرت‌های سمفونیک ملیک ابراهامیان... ۹۶ / کنسرت‌های تهران در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱... ۹۶ / کنسرت مشترک ارکستر هنرجویان هنرستان و ارکستر سمفونیک تهران... ۱۰۰ / انتشار مجله موسیک ایران... ۱۰۰ / فستیوال ملی هنری در تهران... ۱۰۲ / کنسرت در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳... ۱۰۳ / هنرستان‌های بالت در ایران... ۱۰۴

۱۰۵ انجمن فیلامونیک تهران

تجدید انتخابات هیئت مدیره انجمن فیلامونیک... ۱۱۲ / تشکیل کمیته ملی موسیقی یونسکو در ایران... ۱۱۳ / کمیته فنی انجمن فیلامونیک تهران... ۱۱۳ / رئیس شورای بین‌المللی موسیقی یونسکو در تهران... ۱۱۴ / دویستمین سال تولد موتسارت... ۱۱۴ / دوران رونق انجمن فیلامونیک تهران... ۱۱۵ / تأسیس انجمن فیلامونیک در شیراز... ۱۲۰ / اساسنامه جدید انجمن فیلامونیک تهران... ۱۲۰ / برخی از مهم‌ترین برنامه‌های انجمن فیلامونیک تهران... (از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶)... ۱۲۱ / انجمن هنری جوانان (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹)... ۱۲۲

۱۲۵ ارکستر سمفونیک تهران

از سنجری تا توپیر... ۱۲۵ / از سنجری تا مشکات... ۱۳۳ / برنامه‌های آموزشی ارکستر سمفونیک تهران... ۱۳۷ / کارگاه موسیقی ارکستر سمفونیک تهران... ۱۳۷ / نقدی بر کنسرت ارکستر سمفونیک تهران... ۱۳۹ / نقدی بر ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر مجلسی اشتوتگارت... ۱۴۰ / از دست رفته‌های ارکستر سمفونیک تهران... ۱۴۱ / کنسرت پری ثمر با ارکستر سمفونیک تهران... ۱۴۱

۱۴۵ مجله موسیقی (دوره‌های سوم و چهارم)

دوره سوم مجله موسیقی... ۱۴۵ / چهارمین دوره مجله موسیقی... ۱۵۰

۱۵۳ گروه‌ها و برنامه‌های آواز جمعی

گروه آواز جمعی زیبای کشور... ۱۵۳ / ارکسترهای آغازین... ۱۵۷ / شورای فنی اپرای تهران... ۱۵۷ / فستیوال آواز هنرجویان وابسته به هنرهای زیبا... ۱۶۰ / اپرای ارفه و اریدیس در تالار نمایش هنرهای زیبای کشور... ۱۶۱ / حسین سرشار و ارکستر سمفونیک تهران... ۱۶۱ / گروه آواز جمعی هنرستان عالی موسیقی و ارکستر سازهای زهی... ۱۶۱ / رسی‌تال آواز و گیتار... ۱۶۱ / کنسرت گروه آواز جمعی و سولویست‌های رشته آواز هنرستان عالی موسیقی... ۱۶۱ / رسی‌تال آواز نسرین آزرمی... ۱۶۲ / اجرای قسمت‌هایی از اپراهای ورت و لاترویاتا... ۱۶۲ / رسی‌تال آواز ژاله

برخی از کنسرت‌های هنرمندان ایرانی (از ۱۳۴۹ به بعد) / ۲۵۲... / فعالیت‌های پنج‌ساله تالار رودکی... / ۲۵۳... دفتر برنامه‌های تلویزیونی تالار رودکی... / ۲۵۴... هنرستان آواز رودکی... / ۲۵۵... نمایشگاهی از فعالیت‌های نه‌ساله تالار رودکی... / ۲۶۴... ارکستر اپرای تهران... / ۲۶۵... تالار رودکی و دهمین سال فعالیت اپرا... / ۲۶۶... فصل سبز تالار رودکی (فصل هنری ۵۶-۱۳۵۵)... / ۲۶۹... تالار رودکی در بهار ۱۳۵۶... / ۲۶۹... باله در تالار رودکی... / ۲۷۲... گروه‌های وابسته به تالار رودکی... / ۲۷۷... برنامه‌های خارجی تالار رودکی... / ۲۸۲... موسیقی بومی و رقص‌های محلی در تالار رودکی... / ۲۸۲... نگاهی به برنامه‌های تالار رودکی... / ۲۸۴... جشنواره جهانی فیلم‌های موسیقی... / ۲۸۶...

۲۸۹..... موسیقی در جشن‌های فرهنگ و هنر.....

اولین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۸۹... دومین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۱... سومین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۲... چهارمین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۴... پنجمین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۴... ششمین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۵... هفتمین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۶... هشتمین جشن فرهنگ و هنر... / ۲۹۸... نهمین جشن فرهنگ و هنر... / ۳۰۰... دهمین جشن فرهنگ و هنر... / ۳۰۰...

۳۰۳..... موسیقی در جشن هنر شیراز.....

اولین جشن هنر شیراز... / ۳۰۳... دومین جشن هنر شیراز... / ۳۰۵... سومین جشن هنر شیراز... / ۳۱۱... چهارمین جشن هنر شیراز... / ۳۱۳... پنجمین جشن هنر شیراز... / ۳۱۹... ششمین جشن هنر شیراز... / ۳۲۲... هفتمین جشن هنر شیراز... / ۳۲۵... هشتمین جشن هنر شیراز... / ۳۳۰... نهمین جشن هنر شیراز... / ۳۳۰... دهمین جشن هنر شیراز... / ۳۳۳... یازدهمین جشن هنر شیراز... / ۳۳۵...

۳۴۱..... ژورنل موزیکال ایران.....

گروه‌های شرکت‌کننده در برنامه‌های ژورنل موزیکال ایران... / ۳۴۳... ارکستر ژورنل موزیکال ایران... / ۳۴۴... گروه زهی فیلامونیا... / ۳۴۴...

۳۴۵..... موسیقی در جشنواره توس.....

اولین جشنواره توس... / ۳۴۵... دومین جشنواره توس... / ۳۴۵... سومین جشنواره توس... / ۳۴۷... چهارمین جشنواره توس... / ۳۴۹...

۳۵۲..... پایان داستان.....

۳۵۵..... منابع و مآخذ.....

۳۶۱..... نمایه.....

۳۸۳..... تصاویر.....

- فریدی... ۱۶۲۰ / رسیستال آواز حسین مرشان... ۱۶۲۰ / اپرای کوزی فان تونه در تهران... ۱۶۳
- ۱۶۵ هنرستان های موسیقی
 هنرستان موسیقی از ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۷... ۱۶۵۰ / رؤسای هنرستان از آغاز تا ۱۳۵۷... ۱۷۳۰ / برنامه تلویزیونی هنرجویان هنرستان عالی موسیقی... ۱۷۳۰ / هنرستان موسیقی تبریز... ۱۷۳۰ / هنرستان ملی باله ایران... ۱۷۴۰ / گروه رقص های ملی و محلی هنرهای زیبای کشور... ۱۷۶۰
- ۱۷۹ کنسرواتوار آزاد تهران
 ارکستر سمفونیک کنسرواتوار تهران... ۱۸۳۰ / کنسرت در سال های ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰... ۱۸۳۰ ✓
 تشکیل وزارت فرهنگ و هنر... ۱۸۴۰ / کنگره جهانی موسیقی در تهران... ۱۸۵۰
- ۱۸۷ نام آوران هنر ایران (از دهه ۳۰ تا دهه ۴۰)
 تانیا آشوت (پیانو)... ۱۸۷۰ / امیرحسین شیروانی (کلارینت)... ۱۸۷۰ / عنایت رضایی (آواز)... ۱۸۷۰ / حسین سرشار (آواز)... ۱۸۸۰ / احمد مصری (آواز)... ۱۸۸۰ / روحی عافیت پور (آواز)... ۱۸۸۰ / ژاله فریدی (آواز)... ۱۸۸۰ / افسانه خدابنده لو (آواز)... ۱۸۸۰ / پری ثمر (آواز)... ۱۸۹۰ / محمد پورتراب (ویولنسل)... ۱۸۹۰ / فرشاد سنجرى (پیانو)... ۱۸۹۰ / خانواده خادم میثاق... ۱۸۹۰ / هاله آلپ (پیانو)... ۱۹۰۰ / فرح عافیت پور (آواز)... ۱۹۰۰ / پری برکشلی (پیانو)... ۱۹۰۰ / جمشید یوسف زاده (پیانو)... ۱۹۰۰ / گیتی آذری (پیانو)... ۱۹۰۰ / آودیس جانبازیان (آهنگساز)... ۱۹۱۰ / روح انگیزیشمی (آواز)... ۱۹۱۰ / آلفرد ماردویان (رهبری کر)... ۱۹۱۰ / شهلا دیهیم (پیانو)... ۱۹۱۰ / پروانه سپهری (ویولنسل)... ۱۹۱۰ / هاگینت وارثانیان (آواز)... ۱۹۱۰ / سرور کابلی (بالت)... ۱۹۱۰ / هایده چنگیزیان (بالت)... ۱۹۲۰ / نسرین آزرمی (آواز)... ۱۹۲۰
- ۱۹۳ نگاهی به آواز در ایران
 گرانجمن ایران و فرانسه... ۱۹۴۰ / گر باشگاه آارات... ۱۹۴۰ / گر باغچه بان... ۱۹۴۰ / گروه آواز جمعی هنرهای زیبای کشور... ۱۹۵۰ / گر هنرستان عالی موسیقی... ۱۹۵۰ / برنامه های هفتگی هنرستان موسیقی در رادیو تهران... ۱۹۵۰ / برنامه موسیقی کلاسیک تلویزیون ایران... ۱۹۶۰
- ۱۹۷ هنرجویان ایرانی در وین
 سرپرستی دانشجویان ایرانی در وین... ۲۰۰۰ / اداره کل روابط فرهنگی... ۲۰۷۰
- ۲۱۳ موسیقی در رادیو و تلویزیون ایران
 ارکستر مجلسی تلویزیون... ۲۱۶۰ / برخی از برنامه های ارکستر مجلسی تلویزیون ایران... ۲۱۹۰ / کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان... ۲۲۰۰ / مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی... ۲۲۲۰
- ۲۲۳ موسیقی در تالار رودکی
 از تالار فرهنگ تا تالار رودکی... ۲۲۳۰ / مشخصات تالار رودکی... ۲۲۵۰ / نخستین اپرا در تالار رودکی... ۲۲۸۰ / برخی از برنامه های گشایش تالار رودکی... ۲۳۵۰ / اپراهای فارسی در تالار رودکی... ۲۴۱۰ / کارنامه سه ساله تالار رودکی... ۲۴۹۰ / موسیقی سنتی در تالار رودکی... ۲۴۹۰ /

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- ۱۱..... **اوضاع اجتماعی، سیاسی و هنری دوران قاجار**
- اوضاع هنری دوران قاجار... ۱۵ / گزارش‌های ایرانیان از هنرهای صحنه‌ای در فرنگ... ۱۷ /
مشاهدات هنری ناصرالدین‌شاه... ۱۹ / توشه سفرهای ناصرالدین‌شاه از فرنگ... ۲۲
- ۳۳..... **شکل‌گیری نهادهای موسیقی و دگرگونی موسیقی ایران**
- تأسیس شعبه موسیق نظام در دارالفنون... ۳۳ / دسته موسیق سلطنتی... ۳۳ / شعبه
موسیق نظام... ۳۴ / موسیق نظامی در دوره ناصری... ۳۵ / ضبط صفحه در ایران دوره
قاجار... ۳۷ / موسیق ایرانی در دوره مشروطه... ۳۹ / کلاس موسیق... ۳۹ / انجمن
موزیکال... ۴۰ / مدرسه موزیک... ۴۱ / از مدرسه موزیک تا هنرستان موسیقی... ۴۳ / نامه
قمرالملوک وزیری به دشتی، مدیر روزنامه شفق سرخ... ۴۶ / شرایط تحصیل در هنرستان
موسیقی... ۴۷ / درخواست تأسیس مدرسه خصوصی موسیقی... ۴۸ / ارکستر سمفونی
بلدیه... ۵۲ / ارکستر هنرستان موسیقی... ۵۴ / نظر روح‌الله خالقی درباره مین‌باشیان... ۵۴ /
اداره موسیقی کشور... ۵۵ / مجله موسیقی... ۵۹ / هنرستان عالی موسیقی... ۵۹ / موسیقی
در سازمان پرورش افکار... ۵۹ / ارکستر استادان اداره موسیقی کشور... ۶۰ / استادان موسیقی
چک و سلواکی در تهران... ۶۰ / افتتاح رادیو ایران... ۶۲ / خبرسازان... ۶۳ / کنسرت‌ها (قبل
از شهریور ۱۳۲۰)... ۶۴ / هنرستان موسیقی بعد از شهریور ۱۳۲۰... ۶۸ / کنسرت (از ۱۳۲۰ تا
۱۳۲۵)... ۶۹ / ارکستر سمفونیک تهران... ۷۰ / دوران رونق هنر موسیقی... ۷۰ / انجمن‌های
موسیقی در ایران... ۷۱ / انجمن موسیقی ملی... ۷۲ / تأسیس بخش موسیقی در دانشکده
هنرهای زیبای دانشگاه تهران... ۷۳
- ۷۵..... **آواز و اپرا در ایران**
- آغاز فعالیت‌های اپرایی در ایران... ۷۵ / اپرت پریچهر و پریزاد... ۷۶ / اپرت لیلی و
مجنون... ۷۷ / لیلی بارا در ایران... ۷۹ / برنامه موسیقی کلاسیک با تفسیر در رادیو... ۸۰ /
جمعیت دوست‌داران فرهنگ فرانسه... ۸۰ / اداره هنرهای زیبا... ۸۱ / سندیکای
موسیقی‌دانان ایران... ۸۱ / انجمن هنری جوانان (۱۳۲۷)... ۸۲ / موسیقی مجلسی در

پیشگفتار

روزی از روزهای گرم تابستان چشم به جهان گشودم. بزرگترها می‌گویند کودک «تودل برو» و آرامی بودم و به همین جهت همه مرا دوست داشتند، به خصوص مادر بزرگ پدری و پدر بزرگ مادریم. پدرم مهدی آریان پور، پسر بزرگ یار ماشاءالله سردار جنگ بود که سال‌ها بر ضد حکومت قاجار طغیان کرد و در آخر یا خدعه و نیرنگ وثوق‌الدوله خائن کشته شد.

وقتی یار ماشاءالله را کشتند، پدرم هفده سال بیشتر نداشت و چون حکومت قاجار همه اموال آنان را به غارت برده بود، او مجبور شد کار کند و مخارج خانواده را که عبارت از مادر و خواهر و دو برادر تنی بودند، تأمین نماید. مادرم فخرالزمان سپهری به خانواده معروف سپهری تعلق داشت و بسیاری از افراد این خانواده اهل هنر بودند، شعر می‌گفتند و نقاشی می‌کردند. پدر و مادرم صاحب پنج فرزند شدند: برادر بزرگم امیرحسین، انسانی بی‌نظیر و استادی نمونه، برادر کوچکم امیر هوشنگ، شیفته راستین ایران، خواهرم آریان دخت، مادر جامعه‌شناس فقید مهرداد مشایخی و خواهر کوچکم آذر دخت، نویسنده کتاب جالب «پشت دیوارهای بلند».

پدرم کارمند دولت بود و غالباً به سفر می‌رفت. چندین ماه در شهری می‌ماند و البته ما را هم با خود می‌برد، به همین جهت من تحصیلات ابتدایی را در اصفهان و تهران و تحصیلات متوسطه را در مشهد و تهران انجام دادم. از کودکی صدای کوچک و شیرینی داشتم. یک روز با راهنمایی دائیم مرحوم ابراهیم سپهری - که رئیس اداره رادیو بود - به هنرستان موسیقی رفتم. پرویز محمود، رئیس هنرستان و معاون او، روییک گریگوریان صدایم را پسندیدند و از فردای آن روز در هنرستان موسیقی مشغول تحصیل آواز شدم.

ضمن تحصیل در هنرستان، در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران نیز نام نوشتم و پس از آن به عنوان دبیر در وزارت آموزش و پرورش مشغول کار شدم. در مهر ۱۳۳۷ مرا به اداره هنرهای زیبا منتقل کردند و ضمن سردبیری مجله وزین موسیقی، در تشکیلات بالای دو انجمن فیلارمونیک تهران و انجمن هنری جوانان نقش اساسی داشتم، چند سال بعد نیز به معاونت و مدیریت هنری تالار وحدت انتخاب شدم.

اوضاع اجتماعی، سیاسی و هنری دوران قاجار

دودمان قاجار پس از سقوط دودمان زند به روی کار آمد و پس از سلطنت هفت پادشاه (آغا محمدشاه، فتحعلی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه) در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۳۴۴ق.) پایان یافت و دودمان پهلوی که مشتمل بر دو پادشاه یعنی رضاشاه و محمدرضاشاه بود تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۳۹۸ق.) دوام آورد، جای آن را گرفت. جامعه ایران در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین‌شاه رفته‌رفته وضعی انقلابی یافت. در دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه به انقلاب تن داد و در دوره سلطنت احمدشاه برای حفظ دستاوردهای انقلاب تلاش کرد.

ایران پیش از انقلاب مشروطیت دارای $9/8$ میلیون جمعیت بود و ۸۰ درصد این جمعیت زندگی روستایی و ایلی داشتند.

کشور شامل چهار ایالت بزرگ (خراسان، آذربایجان، فارس و کرمان) بود و این ایالت‌ها سی ولایت را در بر می‌گرفت و ولایت‌ها از شهرها و روستاهای فراوانی تشکیل می‌شد.

پایتخت ایران، شهر تهران در دو بیست کیلومتری جنوب دریای خزر قرار داشت و شهرهای مهمی مانند کاشان، اصفهان و یزد در مرکز، تبریز و مشهد در شمال، بیرجند و کرمان در شرق، شیراز و اهواز در جنوب و کرمانشاه و خرم‌آباد در غرب، به وسیله راه‌های خاکی به پایتخت می‌پیوستند.

نظام زمین‌داری با اقتصاد کشت‌کاری و دامداری بر ایران حاکم بود. زمین‌داران بزرگ و خان‌های عمده ایل‌ها به عنوان اشراف، محور جامعه به شمار می‌رفتند و در خطه خود کمابیش به استقلال حکومت می‌کردند. حکومت مرکزی خود نیز صاحب اراضی پهناور بود و آنها را یا به عنوان تیول به اشراف وابسته خود می‌سپرد و یا به وسیله کارگزاران دولتی مستقیماً از آنها بهره‌کشی می‌کرد. در شهرها طبقات سرمایه‌دار و کارگر به آهستگی ریشه می‌گرفتند. پیشه‌وران صنایع دستی کهن را می‌گرداندند. سرمایه‌داران درجه اول به ریاخواری رغبت داشتند و برای بالا بردن مقام اجتماعی خود، زمین‌داری می‌کردند، همچنان که زمین‌داران درجه اول و حتی دربار و حکومت به امید سود، در کارهای سوداگران شرکت می‌کردند.

قشر روشنفکر به تدریج در بطن جامعه قرار می‌گرفت، اما هنوز قدرت اجتماعی مهمی محسوب نمی‌شد. قشر دین‌یار که با مردم شهرنشین، به‌ویژه اصناف شهر و عیاران، همبستگی داشت، با تسلط بر محاکم شرعی، املاک وقفی و مدارس سنتی، و با دریافت مالیات دینی،

یعنی خمس و زکات، دارای نفوذ اجتماعی بود و اقامتگاه‌های رهبران دینی همانند مکان‌های دینی، محترم و تحصن‌گاه تلقی می‌شد.

پادشاه بنا بر سنت کهن، حاکم مطلق‌العنان کشور بود و به واسطه شماری وزیر و امیر و حاکم، که عموماً از خاندان سلطنتی بودند، بر کشور فرمان می‌راند. شاهزادگان و وابستگان آنان ایالات و ولایات و شهرها و روستاها را یا به عنوان تیول خود و یا به عنوان امانت دولت در اختیار داشتند و معمولاً در ازای مبلغی که به دولت می‌پرداختند، به سود خود از قلمروهایشان بهره‌برداری و مالیات‌گیری می‌کردند و اداره کارها را به گروهی کارگزار مزدور وامی‌گذاشتند. رسیدگی به قانون‌شکنی و تعیین کیفر بر عهده دودستگاه بود: محاکم شرعی دین‌یاران برای رسیدگی به امور شخصی و تجاری و محاکم عرفی برای رسیدگی به امور دیگر، اما عملاً هر دو دستگاه زیر نفوذ دولت بود. هریک از حاکمان شهرها برای ایمنی خطه خود کلانتر یا داروغه برمی‌گزیدند. کلانتر امنیت هر محله را به کدخدا یا سرپرست آن محله که می‌بایست مورد اعتماد مردم آن محله می‌بود و از آنان حقوق مختصری دریافت می‌کرد، می‌سپرد. کدخدا به وسیله نگهبانان شهری موسوم به گزومه یا عسس از محله مراقبت می‌کرد. در اواخر عصر قاجار انتظام امور شهری که از دیرباز همانند اداره راه‌ها و روستاها به دسته‌های عیار واگذار می‌شد، به هدایت اروپاییان، در اختیار دستگاه دولتی قرار می‌گرفت.

دولت ایران در عصر قاجار با آنکه به اردوکنشی‌های داخلی و خارجی فراوانی تن داد، ارتش کوچک نامنظمی داشت. نیروهای نظامی اساساً مرکب از واحدهای نامتجانس نظامی و شبه نظامی، مانند واحدهای سرباز موظف یا اجیر و مزدوران ایلی دولت و مزدوران محلی زمین‌داران بزرگ بودند، ولی بعداً واحدهای قزاق و ژاندارمری بر نیروهای ایران افزوده شدند. واحدهای قزاق به ریاست افسران روسی، و واحدهای ژاندارمری زیر نظر افسران سوئدی به وجود آمدند. گذشته از اینها، واحدهای قره‌سواران که معمولاً از دسته‌های عیار و ندرتاً از دسته‌های ایلی تشکیل می‌شدند و سرانجام جای خود را به ژاندارمری دادند، امنیت راه‌ها و روستاها را در برابر راهزنان و زورگویان محلی بر عهده داشتند.

نیروهای نظامی و انتظامی ظاهراً اراده دولت را بر ملت تحمیل می‌کردند، ولی مردم، به‌ویژه دسته‌های ایلی، هیچ‌گاه از سرکنشی باز نمی‌ایستادند. حکومت قاجار که خود ریشه ایلی داشت، به ایل‌ها حساس بود و در حینی که رؤسای ایل‌ها را به رسمیت می‌شناخت، از آنها مالیات و گروهگان و سرباز موظف و نیز سرباز مزدور می‌گرفت. برخی از ایل‌ها، به‌ویژه ایل‌های بزرگ، برای حفظ خود در برابر دولت به انگلیس و روسیه متکی می‌شدند.

در عصر قاجار جنبش‌های اجتماعی فراوانی شکل گرفت و به‌ویژه در عصر ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) وسعت و شدتی بیشتر یافت و کسانی مانند محمدحسن سالار در خراسان و محمدحسین بیرانوندی در کاشان سر به طغیان برداشتند. تجاوز روزافزون ناصرالدین‌شاه و فرزند سفاکش، مسعود ظل‌السلطان، به حریم مردم و دین‌یاران سبب تشدید فعالیت دیرینه مردم و دین‌یاران علیه دربار قاجار شد. رهبران دینی در ۱۲۷۲ ق. در رأس مردم بر سر مسافرت شاه به اروپا و اعطای

امتيازات به خارجيان زبان به خرده‌گيري گشودند و در ۱۳۰۹ ق. به سبب واگذاري امتياز تنباکوبه به يک شرکت انگليسي عريان کردند و زمينه را برای جنبش اتحاد اسلامي به رهبري سيد جمال‌الدين اسدآبادي که در برابر استبداد داخلي و امپرياليسم خارجي، خواستار اتحاد جوامع اسلامي بود، فراهم آوردند. در همان زمان چون دربار قاجار با اصلاح‌طلباني مانند قائم‌مقام، سپهسالار، صنيع‌الدوله و امين‌الدوله درافتاد، مردم رفته‌رفته در پی برخي از گروه‌هاي اجتماعي همچون محافل ديني و سازمان‌هاي صنفی و دسته‌هاي عياران مردمی و مجامع سري يا نيمه‌سري روشنفکران بهبودی‌خواه به حرکت درآمدند. می‌توان جنبش‌هاي اجتماعي اين دوره را اساساً سه گونه دانست: ليبراليسم يا برقراري حکومت قانون به نفع سرمايه‌داران به رهبري کسانی مانند ملکم، سوسياليسم يا بهبود عمقی جامعه به رهبري کسانی مانند طالبوف، و اتحاد اسلامي يا قيام عمومي جامعه‌هاي اسلامي به رهبري اسدآبادي.

در عصر قاجار، جامعه ایرانی به برکت عواملی چند مانند فشار شديد حکومت و اشراف و امپرياليسم، رشد شهرهاي بزرگ و برخي از صنايع ايران، مبارزات جامعه‌هاي استعمارزده عليه امپرياليسم اروپايي، به‌ويژه پيروي جنگي ژاپن در برابر روسيه، جنبش‌هاي مردم اروپا در برابر حکومت‌ها و اشراف، و دستاوردهاي مثبت تمدن اروپايي به شورافتاد و در بسياري از شهرهاي ايران وضعي کمابيش انقلابي برای تبديل نظام زمين‌داري به نظام سرمايه‌داري پديد آمد. اين وضع نه تنها موجب جنبش‌هاي شهري گوناگون شد، بلکه مبارزان روستايي و ايلى را هم به جنبش درآورد. نتیجه نهایی اين وضع، انقلاب مشروطه ايران بود.

دولت‌هاي اروپايي که پس از استقرار نظام سرمايه‌داري و زوال وجه انقلابي ابتدائي آن به امپرياليسم گراييده و برای ربودن بازارهاي خارجي به رقابت و حتی ستيزه پرداخته بودند، در سده نوزدهم پریشانی جامعه ایرانی را مغتنم شمردند و برای تحصيل امتيازات اقتصادي و سياسي و نظامي به تلاش افتادند.

از ميان دولت‌هاي اروپايي، دو دولت انگليس و روسيه که اولي به واسطه مستعمره خود هندوستان، و دومي به سبب هم‌مرزي، همسایه ايران محسوب می‌شدند، رفته‌رفته رقيب خود را در اين کشور از ميدان بيرون کردند. اين دو دولت گذشته از نمايندگان سياسي و نظامي، مأموراني در لباس جهانگرد و بازرگان و مشاور و محقق و معلم و مبلغ ديني به ايران گسيل داشتند و مؤسسات علني گوناگون و سازمان‌هاي مخفي مانند فراماسونري در ايران برپا کردند و ايرانيان برجسته را در آنها گرد آوردند. در همان حال با استفاده از اختلافات ديرينه اقوام ساکن ايران و دشمني ملت با دولت و سادگي يا سودجويي زمين‌داران و خان‌هاي بزرگ و نيز با لشکرکشي و غلبه نظامي، بخش‌هاي مهمي از ايران را از آن جدا کردند و به وحدت کشور لطمه زدند. از اينها بالاتر به وسيله عمال نفوذی خود، در مؤسسات دولتي و انجمن‌ها و حزب‌هاي سياسي و حتی فرقه‌هاي ديني راه يافتند و حکومت را تقريباً به طور مستمر مهار کردند. پس اکثر دولتمردان و شاهان ايران و قشرهاي عمده‌اي از طبقات حاکم به طور مستقيم يا غيرمستقيم خادم امپرياليسم شدند و برای جلب عنايت و حمايت و پول آن به هر کاري عليه وطن خود دست زدند. به اين ترتيب ايران در